

# ایبنا هفت

سال سی و پنجم، شماره سوم  
مرداد و شهریور ۱۴۰۳ | ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و  
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۷

۲۰۷

دوماهنامه  
ایبنا هفت

سال سی و پنجم، شماره سوم  
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

چند استفتای فقهی-اجتماعی باارزش از اواخر قرن دوازده هجری از استاد گل وحید بهبهانی | چاپ نوشت (۱۴) | در جستجوی کتابخانه تخصصی مرکزی ادبیات کودک و نوجوان ایران | درباره فرهنگ و زبان قوم لک (۳) | آینه‌های شکسته (۴) | نوشتگان (۸) | تفتازانی و فلسفه | یادداشتهای متون فارسی و عربی (۱) | رباعیات خیام و مهستی در سفینه اسکندری | کدخدای قاتل | نفحات ریاحین در تعیین تاریخ ظهور در سال ۱۲۰۴ | قلی خان، خان نبود | نگاهی به واژگان لغت فرس چاپ شادروان استاد عباس اقبال | نگاهی به تصحیح جدید سفرنامه ناصر خسرو | حواشی دکتر محمد معین بر دیوان لامعی گرگانی | آیا ابن عربی وارث انبیا است؟ | طومار (۶) | دشواری‌های برگردان قرآن و لغزش‌های برخی مترجمان (۲) | حَبط کاتبان ناشی، در خلط متون و حواشی: | پاسخی به نقد دیوان محمود و رکن بکرانی | نکته، حاشیه، یادداشت

● نقدی بر مقاله «اعتبارسنجی "النساء نواقص العقول" در نهج البلاغه»

● پیوست آینه پژوهش | چند متن تازه یاب درباره سنیان دوازده امامی

مسئول: حمزه علی | مجید حبیبی  
مستشار: علی باستانی | حواشوی  
مستطقی دهقان | سید حسن نظر  
میلاد بیگلری | سید مصطفی  
احمد درویش | سید رضوان  
محمد آرمینی | سید مصطفی  
سید علی | سید مصطفی  
غلامعلی | سید مصطفی  
نظاری | سید مصطفی  
چهارباغیان | سید مصطفی  
لیا | سید مصطفی  
پوری | سید مصطفی

# خَبَط كَاتِبَان نَاشِي، دَر خَلَط مَتُون و حَوَاشِي:

## نَگَاحِي بَه گُواهي فخر رَازِي

استاديار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامي | h.ataee@isca.ac.ir | حميد عطائي نظري

| ۵۳۵ - ۵۴۲ |

۵۳۵

آينه پژوهش | ۲۰۷

سال ۳۵ | شماره ۳

مرداد و شهريور ۱۴۰۳

چکیده: الحاق حواشی به متن، یکی از انواع تصحیفاتی است که گاه در فرایند رونویسی آثار کهن، در دست نوشت های آنها اتفاق افتاده است و موجب غامض و نامفهوم شدن، یا ناراست و ناسازوار گشتن برخی از عبارات آن آثار شده است. فخر رازی (د: ۶۰۶ ه.ق.)، عالم نامبردار اشعری، در شرحی که بر کتاب معروف ابن سینا (د: ۴۲۸ ه.ق.) به نام عیون الحکمة نوشته است، در دو موضع، درباره تصحیف خطاساز و ابهام آفرین الحاق حواشی به متن در نسخ خطی سخن گفته است و از وقوع چنین تصحیفاتی در مصنفات خود خبر داده. گواهی او در این خصوص از جهاتی چند درخور اعتناست، به ویژه از این جهت که نمودار حدوث زود هنگام اینگونه تصحیفات و تحریفات در نسخ خطی است و اینکه رخ دادن این سنخ تصحیفات مشکل ساز در آنها، نه فقط در طول چند قرن بلکه تنها در طی چند دهه و حتی چند سال نیز امکان پذیر و گاه مُحَقَّق بوده است.

کلیدواژه‌ها: نسخ خطی، تصحیف، حواشی، کاتبان، فخر رازی.

### The Blunders of Inexperienced Scribes in Mixing Texts and Margins: A Look at Fakhr al-Din al-Razi's report

By: Hamid Ataei Nazari (Assistant Professor, Islamic Sciences Culture Academy)

**Abstract:** The addition of marginal notes to the main text is one of the types of scribal errors that occasionally occurred in the process of scribing ancient works in manuscripts. This led to the obscurity, misinterpretation, or inconsistency of certain passages in these texts. Fakhr al-Din al-Rāḏī (d. 606 AH), the renowned Ash'arite scholar, discusses the confusing and misleading scribal errors of adding marginal notes to the main text in manuscripts in two instances in his commentary on Ibn Sina's (d. 428 AH) famous work, "Uyūn al-Ḥikmah". He mentions that such scribal errors also occurred in his own works. His report is noteworthy from several aspects, particularly as it indicates the early occurrence of these types of errors and alterations in manuscripts, and that such problematic scribal errors could occur not only over several centuries but sometimes even within a few decades or year.

**Keywords:** Manuscripts, Scribal Errors, Marginal Notes, Scribes, Fakhr al-Din al-Rāḏī.



خطاها و تصحیفاتی که در دست‌نویس‌های آثار کهن رخ داده است و موجب دگرگونی‌های مشکل‌آفرین در متن آنها شده است علل و عوامل مختلفی می‌تواند داشته باشد. در حقیقت، تغییر یافتن عبارات اصیل یک نویسنده و مبدل شدن آنها به دیگر صورت نادرست، ممکن است در اثر خطای کاتبان در خوانش نسخه اصل مؤلف یا رونوشت‌های سپسین آن باشد، یا لغزش آنان در کتابت نسخه، یا دخل و تصرفات بعدی در این دست‌نویس‌ها، و یا علل دیگری نظیر اینها. یکی از اسباب وقوع تصحیف و تبدیل در ضبط کلمات و عبارات متون کهن، راه‌یافتن حواشی نسخ یک اثر به متن آن است. می‌دانیم که در کناره‌ها یا میان سطور دست‌نویس‌های متون کهن، اغلب، کلمات و عباراتی نوشته شده است که برخی از آنها اصلاحات و استدراکات مربوط به متن اثر به قلم خود نویسنده اثر یا کاتب دیگری است، و برخی دیگر، توضیحات و ملاحظاتی است که صاحب کتاب و یا خواننده یا کاتب دیگری درباره مطالب مطرح در آن نگاشته است. تشخیص اینکه حواشی مکتوب در کناره‌های نسخ از چه سنخ است و آیا نوشته خود نویسنده اثر بوده یا کسانی دیگر، همواره آسان نبوده و گاه خبط و خلط‌هایی در این خصوص صورت گرفته است. در موارد بسیاری، حواشی نسخه‌ها نگاشته خود نویسنده اثر نبوده است و بلکه ملاحظات و توضیحاتی است که به قلم خواننده یا کاتب دیگری نوشته شده است. حال ممکن است کاتب بی‌بصیرتی این قبیل حواشی را به اشتباه نوشته خود نویسنده و متعلق به اصل متن اثر بیندارد و هنگام رونویسی نسخه خود، آن حواشی را به متن اثر ملحق نماید. در این صورت، عبارات و کلماتی که در واقع ربطی به نویسنده و متن اثر او نداشته است وارد یکی از دست‌نوشت‌های آن می‌شده است و کاتبان بعدی هم از روی همان متن تصحیف شده نسخ دیگری را گاه‌گاه با اغلاط افزون‌تری فراهم می‌آورده‌اند و رفته‌رفته متن اصلی اثر نویسنده چنان در معرض اضافات و تغییرات گوناگون قرار می‌گرفته است که از اصل خود بس دور می‌افتاده است. طبعاً ورود آن حواشی غیر اصیل به متن، و تغییرات و تصحیفاتی که به مرور زمان در ضبط کلمات اثر صورت می‌گرفته است، ناسازگاری‌ها و نادرستی‌هایی را در متن نویسنده پدید می‌آورد که خود موجب بروز ابهام‌ها و اغلاق‌هایی در فهم عبارات آن می‌شود. بنابراین، یکی از علل غامض و نامفهوم بودن، یا ناراست و ناسازوار نمودن برخی از عبارات متون کهن وقوع همین تصحیفاتی است که در اثر الحاق حواشی کتاب به متن آن صورت گرفته است و متن اثر را از صورت اصلی خود خارج و دور نموده است.

نکته پیشگفته در باب تصحیف خطاساز و ابهام آفرین الحاق حواشی به متن در نسخ خطی، مورد توجه و تصریح فخر رازی (د: ۶۰۶ ه.ق.)، عالم نامبردار اشعری نیز قرار گرفته است. او در شرحی که بر کتاب معروف ابن سینا (د: ۴۲۸ ه.ق.) به نام عیون الحکمة نوشته است، در دو موضع، درباره این موضوع و مشکل سخن گفته است و از وقوع چنین تصحیفاتی در مصنفات خود خبر داده. گواهی او در این خصوص از جهاتی چند درخور اعتناست، به ویژه از این جهت که نمودار حدوث زود هنگام اینگونه تصحیفات و تحریفات در نسخ خطی است و اینکه رخ دادن این سنخ تصحیفات مشکل ساز در آنها، نه فقط در طول چند قرن بلکه تنها در طی چند دهه و حتی چند سال نیز امکان پذیر و گاه مُحَقَّق بوده است. در اینجا نخست فحوای گفتار رازی در این موضوع و سپس عین عبارات او بیان می شود. از آنجا که یگانه ویراست در دسترس از کتاب شرح عیون الحکمة<sup>۱</sup> تصحیحی انتقادی و منقح از این اثر نیست و شوربختانه آمیخته است با اغلاط پرشمار، عبارات رازی در این دو موضع با چند نسخه کهن از این اثر<sup>۲</sup> مقابله شده است و برخی اصلاحات لازم در آنها صورت گرفته است. خواننده تیزبین از همین اصلاحات نیز درخواهد یافت که بعضی از متون کهن مثل همین کتاب شرح عیون الحکمة تا چه اندازه سهل انگارانه و مغلوط به طبع رسیده است و تصحیفاتی که در نسخ خطی این آثار رخ داده است، اگر در فرایند تصحیح انتقادی آنها شناسایی و اصلاح نشود، به چه حد می تواند متن این آثار را مبهم و معیوب نماید.

نخستین موضعی که رازی در کتاب شرح عیون الحکمة به مسأله «خَبَط کاتبان ناشی در خَلَط متون و حواشی» اشارت نموده است در مقدمه ای است که بر این کتاب نگاشته و در آن از موانع پیش روی خود بر سر راه شرح این کتاب سخن گفته است. او در اینجا بدین نکته تصریح نموده که چون ابن سینا در کتاب عیون الحکمة معانی و مفاهیم پیچیده فلسفی را در قالب الفاظ و عبارات مختصر و فشرده بیان کرده است و مقاصد و مطالب مورد نظرش را هم چندان صریح و روشن باز ننموده است، هر کسی عبارات او را بر حسب

## ۵۳۸

آینه پژوهش | ۲۰۷  
سال ۳۵ | شماره ۳  
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، شرح عیون الحکمة، ۳ ج، تحقیق: أحمد حجازی أحمد السقا، مؤسسة الصادق للطباعة والنشر، طهران، ۱۳۷۳ ه.ش.

۲. از جمله: نسخه کهن کتابخانه حکیم اوغلو ترکیه به شماره ۸۵۶ و نسخه کتابخانه فاضل احمد پاشا ترکیه شماره ۸۸۴، دو نسخه از کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره های ۱۸۶۴ و ۱۰۶۳۸ و نسخه دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۲۶۰.

نظر نادرست و پندار ناستوار خود تفسیر کرده است. شماری از این افراد با این تصوّر که معنای سخنان شیخ را آشکار سازند و مقاصد او را توضیح دهند، همان پندارهای ناصواب و برداشت‌های ناروای خود را در حاشیه دست‌نوشتی که از این کتاب در اختیار داشته‌اند، نوشته‌اند. سپس گروه نادان‌تری که این نسخه‌ها به دستشان افتاده است، گمان کرده‌اند که حواشی مکتوب در آنها نیز کلمات و عباراتی است از اصل متن کتاب و نوشته خود ابن سینا. آنگاه این کاتبان نادان آن حواشی را که نوشته خوانندگان و کاتبان قبلی بوده است، به متن اصلی کتاب ابن سینا وارد نموده و با این کار اشکالات گوناگونی در کلام شیخ ایجاد کرده‌اند و عبارات او را عیبناک گردانده‌اند. سپس فخر رازی یادآور می‌شود که به چشم خود بروز همین‌گونه تصحیفات و تحریفات را در تألیفات خویش نیز دیده است و سعی بلیغی نموده که این اضافات و تصحیفات فاسد را از متن آثار خود بزدايد تا مبادا که این زوائد و تغییرات موجب تردید و تشویش ذهن و سوء فهم خوانندگان آثارش شود. در ادامه، فخر رازی این نکته مهم را فریاد می‌آورد که وقتی در مدتی کمتر از سی سال از زمان نگارش بعضی آثارش چنین تصحیفات و تحریفاتی در آنها پدید آمده باشد، به طریق اولی این قبیل تصحیفات در نگاه‌های ابن سینا - که بیش از صد و پنجاه سال از تاریخ تألیف آنها گذشته است - نیز واقع شده است. رازی وقوع همین تصحیفات و تغییرات را در متن کتاب عیون الحکمة سبب ناستواری و عیبناکی بعضی عبارات آن دانسته است و افزوده که تذکار این نکته به این دلیل است که متن در دسترس وی از کتاب نامبرده مشتمل است بر کلمات و عبارات بسیار نادرست و غیر دقیقی که بعید است نوشته مصتّف تیزویر و تیزهوشی همچون ابن سینا باشد و به احتمال قوی سبب راه یافتن این کلمات مشوّش و نامفهوم و عبارات نادرست و ناسازوار به کتاب شیخ همین حَبَط کاتبان ناشی، در خَلط متون و حواشی بوده است. عین عبارات او در این موضع از این قرار است:

ثم إن ألفاظ هذا الكتاب وجيزة مختصرة، والمعاني المعتمدة غير مألوفة ولا مشهورة، والمطالب غير متميزة بالفواصل المعلومة، والمقاصد غير مبينة بالألفاظ الناصّة<sup>١</sup> المفهومة، فلا جرم كلّ أحد يفسره على وفق رأيه العليل، وخاطره الكلّيل<sup>٢</sup>. وإذا تخيلوا أن المراد منه كذا وكذا،<sup>٣</sup> فربما كتبوا تلك

١. في المطبوع: الناصعة.

٢. في المطبوع: الكلّيل.

٣. في المطبوع: -وكذا.

الخیالات الفاسدة على الحاشية، لظنهم أنه يصير ذلك سبباً لإيضاح ذلك الكلام، وتحصيل ذلك المرام. فإذا جاء بعدهم أقوام، أكثر جهالة من أولئك الأولين، وأقوى ضلالة من أولئك السابقين، فربما ظنوا بتلك الحواشي أنها من متن الكتاب، وأنها ليست من القشر، بل من اللبّاب. فحينئذ يدخلونه في متن كلام<sup>١</sup> المصنّف الأول، ويصير ذلك سبباً لحصول كل خلل وزلل. ولقد شاهدتُ هذا النوع من التحريف والتجريف<sup>٢</sup> (التجريف؟) في مصنفاتي ومؤلفاتي، وكنت أبالغ في ازلتها عن متن الكتاب، لئلا<sup>٣</sup> يحصل ما يوجب الارتباب والاضطراب. فإذا وقع هذا، والمدة أقل من الثلاثين، فلأن يقع والمدة<sup>٤</sup> زادت على المائة والخمسين كان أولى. وإنما ذكرتُ هذا العذر، لاشتمال هذا الكتاب في كثير من المواضع على كلمات كثيرة الخبط، بعيدة عن الضبط، يبعد عندي أن يكون قائلها هو هذا المصنّف، الذي كان في قوة القريحة آية، وفي جودة الفكر والنظر غاية. فغلب<sup>٥</sup> على ظني أن السبب في اختلاط<sup>٦</sup> تلك الكلمات المثبجة والتركيبات المعوجة ما ذكرناه وقرناه.<sup>٧</sup>

فخر رازی در موضعی دیگر از همین کتاب شرح عیون الحکمة نیز به مناسبت شرح عبارتی از ابن سینا که به نظرش ناستوار و آشفته می نموده، نکته پیشگفته را بازگو کرده است. او اظهار داشته که چنین عبارات مغلوط و مُشَوّشی بعید است کلام خود شیخ باشد و کلمات او احتمالاً دچار تصحیف و تغییر شده است. رازی معتقد است سبب وقوع و ورود بعضی از کلمات و عبارات نامفهوم و نامربوط در کتاب ها این است که بسیاری از خوانندگان این آثار سخنان نویسنده کتاب را به درستی نفهمیده و برداشت باطل خویش از عبارات او را حق پنداشته و به همین جهت، فهم نادرست خود را در

## ۵۴۰

آینه پژوهش | ۲۰۷

سال ۳۵ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. فی المطبوع: کتاب.

۲. کذا فی النسخ، وفي المطبوع: التخريف.

۳. فی المطبوع: لكيلا.

۴. فی المطبوع: + قد.

۵. فی المطبوع: ويغلب.

۶. فی المطبوع: اختلاف.

۷. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، شرح عیون الحکمة، تحقیق: أحمد حجازی أحمد السقا، ج ۱، ص ۴۱.

قالب کلمات و افزوده‌هایی در حواشی نسخ کتاب درج نموده‌اند. سپس کاتب جاهلی که گمان برده این کلمات مندرج در حاشیه، در واقع از اصل کتاب بوده است آنها را در متن دست‌نویس خود داخل کرده و بدین‌سان عبارات نویسنده را دچار تشویش و تحریف نموده است. فخر رازی در اینجا نیز باری دیگر تصریح می‌کند که خود، شاهد وقوع همین نوع تصحیفات در مصتفات خویش نیز بوده است. به گفته او عده‌ای از خوانندگان در حواشی دست‌نویس‌های آثار وی کلمات و عبارات زائدی نوشته‌اند و آنگاه جماعت دیگری که پنداشته‌اند این کلمات، متعلق است به اصل کتاب، آنها را به اصل متن الحاق کرده‌اند. سپس این نسخه مغلوط و مُصَحَّف به محضر وی آورده شده است و او آن را آکنده از کلمات و عبارات زائد و فاسد یافته است. نص عبارات رازی در این خصوص چنین است:

أقول: إنه يشبه أن لا يكون هذا من<sup>١</sup> كلام «الشيخ» فإنه شديد الخبط،<sup>٢</sup> عظيم الاضطراب. ولعل السبب في وقوع أمثال هذه الكلمات في الكتب أن كثيرا من الناس يطالعون هذه الكتب ولا يفهمون الكلام فيها<sup>٣</sup> فهما صحيحا مطابقا، بل يتخيلون أشياء فاسدة، ويظنون أنها هي الوجوه الصحيحة، فيثبتون تلك الكلمات المشوشة على حواشي الكتب.<sup>٤</sup> ثم إن الناس الجاهل يظن<sup>٥</sup> أنها من أصل الكتاب، فيدخلها في الكتاب، فلهذا السبب تشوش هذه الكتب. وأنا قد رأيت هذا<sup>٦</sup> في تصانيفي، فإن<sup>٨</sup> كثيرا من الناس كتبوا على حواشيتها زوائد فاسدة، ثم إن قوما ظنوا أنها من الأصل<sup>٩</sup>

۱. فی المطبوع: الكلام.
۲. فی المطبوع: + و.
۳. فی المطبوع: -فيها.
۴. فی المطبوع: الكتاب.
۵. فی المطبوع: + بها.
۶. فی المطبوع: فإني.
۷. فی المطبوع: -هذا.
۸. فی المطبوع: -فإن.
۹. فی المطبوع: أصل الكتاب.



فأدخلوها في المتن، ثم ربما جائني<sup>١</sup> بعضهم بتلك النسخة،<sup>٢</sup>  
فأيتها<sup>٣</sup> مملوءة من الحشو والزوائد الفاسدة. ومثل هذا لا يبعد أيضاً  
في كتب «الشيخ».<sup>٤</sup>

باری، شوربختانه بسیاری از متون کهن ما دچار تصحیفات و تصرفات گوناگون فراوان شده است و یگانه راه تنقیح و تهذیب آنها از این خطاها فراهم آوردن ویراست‌هایی انتقادی و منقح از این متون است. اینکه گاهی بعضی از عبارات متون کهن قابل فهم نیست و مبهم و معماگونه به نظر می‌رسد، همیشه به دلیل پیچیدگی مطالب و دشواری نویسی نویسنده یا کم‌هوشی و بی‌دانشی خوانندگان آنها نیست، بلکه گاهی و شاید اغلب، به سبب نادرستی ضبط کلمات و عبارات و وقوع انواع مختلف تصرف و تصحیف و افتادگی در آنهاست، و شگفتا که برخی از شارحان و مدرّسان این متون کوشیده‌اند همان عبارات نادرست و تصحیف‌شده را به هر طریق ممکن تأویل و توجیه نمایند و معنایی درخور از آنها ارائه نمایند!

۵۴۲

آینه پژوهش | ۲۰۷

سال ۳۵ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. فی المطبوع: جاء.
۲. فی المطبوع: النتيجة.
۳. فی المطبوع: فأراها.
۴. همان، ج ۳، صص ۱۱۳-۱۱۴.